

مهر، پیامبر روشن با دیویم تابان

بزرگ نادر زاد

تا نگردی آشنا زین پرده رازی نشنوی
گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش
حافظ

۱۳۳

در روزگار باستان همه مردم نمی توانستند به هر مذهب و مسلکی که می خواستند درآیند. چه در نزد آریایی ها یا هندواروپایی ها و چه در پیش اقوام سامی بعضی مذاهب وجود داشت که ورود به جرگه آنها مستلزم وقوف متقاضی به اسرار نیایش و آگاهی از رموز و محرم شدن با هم مسلکان خود بود مثلاً در مصر قدیم نیایش پر از رمز و راز ایزیس و ایزیریس رواج داشت. در سوریه و فنیقیه آیین پرستش آدونیس وجود داشت. در آسیای صغیر عبادت اسرارآمیز سیبل و آتیس مشهور بود.

در ایران باستان هم پرستش مهر یا میترا دین برگزیدگان بوده و همه کس به آن دسترسی نداشته و لازمه تشریف به «اسرار» آن چنانکه خواهیم دید تحمل مشقات بسیار و عبور از مراحل و مقامات گوناگون بوده است. البته در بیان علل و اسباب رمزی شدن و «رازمند» گشتن مراسم عبادی بعضی مذاهب جهان قدیم و اختصاص آن به اقلیتی از مردم، فرضیاتی از ناحیه پژوهندگان ارائه شده است اما چون هیچ یک، به ضرر قاطع راهی به جایی نبرده است از بحث درباره آن صرف نظر می کنیم.

آنقدر هست که «اسرار» در یونان و روم، عنوان بعضی مناسک سری دین بود که احتمالاً مربوط به حیات پس از مرگ می شد و شرکت در آنها به کسانی اختصاص داشت که طبق شرایطی پذیرفته شده و مراحل معینی را طی کرده بودند. دین های رسمی یونان و روم با الاصله متوجه تسکین خدایان و دعا برای جلب خیر جهت مملکت و قبیله و خانواده بود، و فرد در آنها مقام



○ مهر و نماد فدیه گاو

فرعی داشت. به همین جهت، افراد، برای ارضای تمایل خود به رستگاری و زندگی جاوید، متوسل به «اسرار» می شدند. اطلاعاتی از آنها به ما رسیده است، و از جمله می دانیم که هر یک از آیین های سری مراحلی داشت که مبتدی باید آنها را طی کند، از قبیل مناسک تطهیر، تعالیم سری روحی و خلعت پوشان مبتدی که حاکی از اتحاد او با ارباب انواع بود. ارباب انواع در اسرار (از قبیل دمتر، پرسفونه و دیونوسوس) خدایان بارآوری بودند و به همین جهت احتمال داده اند که اسرار اصلاً از شعائر بارآوری ناشی شده است. عمده ترین آیینهای سری در یونان، اسرار الئوسی (الوزیس) و اسرار ارفئوسی بود. آیین های پرستش رومی مقتبس از ممالک دیگر بوده است. مثلاً آیین پرستش ایسیس از مصر به عنوان یک آیین بارآوری به روم منتقل شد و سپس جنبه تجلیل از کف نفس و عفاف به خود گرفت و آیین پرستش مهر از ایران به روم منتقل شد. (دایرةالمعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، ذیل «اسرار»، صفحه ۱۳۵).

اما میان ادیان و مذاهب سری یا رازآمیز جهان که بشر از عهد باستان تا به امروز به خود دیده است هیچ یک به اندازه مهرپرستی که در قرن دوم مسیحی از ایران به روم رفت و مثل خورشید در سراسر اروپا درخشید و حتی «نگهبان امپراطوری روم» لقب یافت میان نخبگان جوامع غربی آنقدر رهرو و پیرو پیدا نکرد و تا به این حد انتظار را به خود جلب ننمود. دین مهر نقش بسیار مهمی در امپراطوری باسغان روم باز کرد و چیزی نمانده بود که بشارت نورسیده دعوت مسیح را به کناری بزند و نشر آن را متوقف کند. انگار تقدیر این بود که عشق بر نور غلبه کند و فکر سامی

بر اندیشه آریایی ظفر یابد.

به‌رحال پلوتارک نویسنده یونانی (مرگ در ۱۲۰ میلادی) می‌گوید که اسپران سیسیلی در سال ۶۷ میلادی دین مهر را به‌سیسیل (صقلیه) آوردند و از این جا بود که اعتقادات مهری به‌سرعت در اروپا منتشر شد.^۱

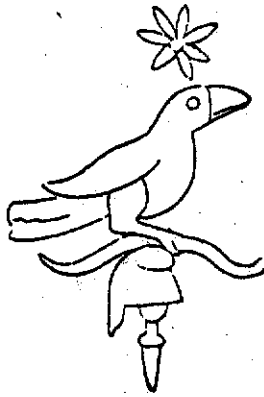
البته سابقه نام مهر در غرب بسیار قدیم‌تر است. مثلاً از آنتیوخوس پادشاه کُماجنه (مملکتی بوده در شمال شرقی سوریه فعلی) نقش برجسته‌ای باقی مانده که تقریباً مربوط به سه قرن قبل از مسیح می‌شود و در آن آنتیوخوس در حالی دیده می‌شود که دست راست مهر را در دست خود گرفته است. و نیز اقوام هیتی و میتانی روی تعدادی الواح گلی متن عهدنامه‌ای را نویسانده‌اند و برای استواری آن از میترا مدد خواسته‌اند. قدمت این مدارک به چهارده قرن پیش از مسیح می‌رسد که در ۱۹۰۷ در شمال غربی آسیای صغیر در بغازکوی کشف شد و این ظاهراً اولین باری است که نام میترا در جایی دیده می‌شود.

در ادوار بعد از میلاد هم نام میترا را بر سر زبانها می‌بینیم. دیوکلسین امپراتور رم در سال ۳۰۸ مسیحی همین مهر را رسماً پاسدار امپراطوری خود معرفی کرده است. با قسطنطین امپراتور دیگر رم مسیحیت دوباره آفتابی می‌شود و مهرپرستی از رسمیت می‌افتد (۲۱۳ میلادی). انا جولیانوس امپراتور دیگر روم (۳۶۳-۳۶۱) مهرپرستی را دوباره در سراسر رم غربی و شرقی رسمی کرد و به‌همین جهت به او لقب کافر یا مرتد دادند (تاریخ انقراض رم غربی ۴۷۶ میلادی و تاریخ انقراض رم شرقی (یعنی بیزانس) ۱۴۵۳ میلادی است).

بعد از ۲۰۰ سال درخشیدن ستاره اقبال مهر، ایزد روشنایی روی به‌افول کرد و وقوع یک‌سلسله حوادث تاریخی بفرنج در روم باستان سبب شد که سرانجام در هشتم نوامبر سال ۳۹۲ میلادی به‌موجب فتوایی هر گونه عبادتی غیر از نیایش مسیح ممنوع و شایسته عقوبت اعلام گردد. پایان کار رسمی مهرپرستی همین تاریخ بود اما احتمال می‌رود که آیین میترا در نقاط دورافتاده مدتی باقی مانده باشد.

آداب نیایش و مراسم تشریف به‌اسرار مهری با شکوه بسیار انجام می‌شده و از انبوه خرد و کلان نوجه‌ها گرفته تا بلندپایگان سپاه روم در آن‌ها شرکت می‌جسته‌اند و در بیان علت این‌همه استقبال مردم از نظام مهری گفته‌اند که ارزشهای سری و باطنی مکتب مهر ریشه در اعتقادات ماورای طبیعی اقوام آریایی و کتابهای ودا و اوستا دارد که در ودا میترا یا مهر به‌عنوان نگهبان قدرت معنوی در کنار ورونا پاسدار قدرت دنیوی ظاهر می‌گردد. ایزد مهر که در فرهنگ ایران و هند

۱. قضیه مهر و خاستگاه دین مهر و تاریخ ظهور آن در ایران و انتشار آن در اروپا و عاملان این انتشار و نحوه این انتشار و نیز نفوذ عقیدتی و آداب و مناسک و نمادهای مهری در نظام مسیحی و کثرت معابد مهری باز یافته در تمام اروپا و فقدان شباهت آن در خود ایران و بسیاری مسائل وابسته دیگر سبب می‌شود که این نقطه مشترک میان فرهنگ ایران و اروپا در ابهامی غلیظ غوطه‌ور بماند. مرحوم محمد مقدم به‌تبع تحقیقات مرحوم ذبیح بهروز، عقایدی در خصوص مهر و زمان او - و به‌طور کلی فرهنگ ایران قدیم - بیان می‌کند که بسیار بدیع و مستحق پژوهش‌های انتقادی و علمی است و به‌رحال با نظریات کارشناسان غربی در این خصوص از بیخ و بن متفاوت است. اسباب تعجب و تأسف است که در این دوره رونق دین و علم، دین و فلسفه، دین و کثرت و تنوع نهادهای پژوهشی مربوط به آنها گویا هنوز چیزی به‌اسم «انستیتیوی تحقیقات در ادیان ایران قبل از اسلام» وجود ندارد!



نماد میترا:

ستاره (هفت پر)، کلاغ (پیک)، کمان، کلاه فریجی، خنجر،
نقش باز یافته در پتوژ (یوگسلاوی)

مشترک است در خلال انتقال به ممالک اروپایی عهد باستان از اعتقادات فیثاغوری و ارفه‌ای یونانی‌ها و نیز معتقدات نجومی تأثیر برداشت به طوری که مثلاً هفت درجه مقام تقدس در نظام مهری که بعداً خواهیم دید در واقع معادل هفت سیاره مشهور است (آفتاب، ماه، مریخ، عطارد، مشتری، زهره، زحل).

اما خصوصیت اصلی دین مهر این است که هم بر سنت تکیه دارد و هم تشرف به اسرار از ارکان آن است. مهر یکی از ایزدان اصیل اقوام هندواروپایی است که توانسته‌اند در گذرگاه زمان همگونی و یکدستی ظاهر و باطن خود را در حد مقدور حفظ بکنند. یعنی سنت مهرپرستی تقریباً دست‌نخورده باقی مانده است. خصوصیت «تشریفی» دین مهری ناشی از این است که بنیاد مهرپرستی بر آموزش تدریجی یک نوع معرفت در عین حال «اشراقی» و «رهایی‌بخش» قرار دارد. به این گونه تعلیمات، آموزش غنوسی (علم از خود رها ننده - یعنی علمی که متعلم را از قید نفسانیات خود نجات می‌دهد) می‌گویند و انتقال آداب و مناسک و نیز اصول اعتقادی به نورسیدگان و مبتدیان از طریق یا به توسط کسانی انجام می‌گیرد که قبلاً به این اسرار متشرف شده‌اند.

لازمه آشنایی با اسرار و راز و رمز مهرپرستی، بسیج کردن کلیه استعدادات باطنی و ظاهری انسان، یعنی بسیج کلیه قوای روح و روان و خرد و فرو ریختن آن در یک قوع و انبیب کیمیاگری معنوی و روحانی است که حاصل آن دگرگونه‌گی شخصیت سالک خواهد بود غایت سلوک

مهرپرستان اتحاد و اتصال با ایزد یگانه روشنایی است اما فهم درست نظام مهری مستلزم شناختن اصولی مثل رازآموزی و سلسله مراتب تقدس و مناسک و غایت معنوی اعمال عبادی و خصوصیات معابد مهرپرستان است.

معابد مهرپرستان

باستان شناسان در آسیای صغیر و در بسیاری از کشورهای اروپا کاوش کرده اند و به پرستشگاههای بسیار دست یافته اند به طوری که امروزه ما تصویری تقریباً مقرون به واقع از اصل «مهرکده» داریم. معابد مهری یا در غارهای طبیعی برپا می شدند و یا این که حفره ای وسیع در زیر زمین می کردند و درون آن را به نمادهای مهرپرستان می آراستند. هر چند که معابد مهری از جهت معماری تفاوت هایی با هم دارند اما اساس آنها یکی است. به این ترتیب که در زیر زمین، بعد از مدخل غار، اطاقی قرار دارد که در آن ابزار و ادوات مربوط به شعائر مذهبی نگهداری می شود. فایده دیگر همین اطاق این است که در آن مردم را واریسی می کنند تا مطمئن شوند از این که مُراجمان عضو جماعت سرسپردگان مهر هستند و نه آدمهایی بیگانه. بعد از این اطاق و پلکان دنبال آن، دالانی دراز می آید که سقف آن طاقدیس است و در ته این دالان یا سرسرا یا تالار چشمه ای قرار گرفته که در قسمت بالای آن شمایل میترا در حالی که دارد گاو را فدیه می کند نقاشی یا کنده گری شده است.

۱۳۷

هر چند که تعداد معابد مهری مکشوفه قابل توجه است و ابعاد آنها با هم فرق دارد، اما سه پرستشگاه داریم که کم و بیش دست نخورده باقی مانده به طوری که می توان شمایل یا نقش برجسته مرمرین ایزد مهر را در حالی که کلاهی نوک تیز (معروف به شب کلاه فریجی یا فریگی، فریجیه در شمال غربی آسیای صغیر بوده) بر سر و روپوشی بر تن دارد که چین های درشت آن در اثر وزش باد موج می زند به وضوح دید. مهر زانو بر زمین زده تا دشنه خود را در گلوگاه گاو فروبرد. خون گاو که بر زمین می ریزد آن را بارور می کند و بر فراخی نعمت می افزاید. این سه معبد، در ایتالیا (در بندر اُستی نزدیک رم)، در تیرگوسور (رومانی) و در دورا اریوس (در سوریه نزدیک سواحل فرات) قرار دارند.

اما این که معبد مهری را در غارهای طبیعی تعبیه می کنند و یا شبه غار در زیر زمین می سازند به این جهت است که محل عبادت مهرپرستان باید حکماً نماد فلک باشد یعنی مظهر غاری عظیم تر باشد که همان کره ارض است و به همین جهت است که روی سقف معابد مهری آسمان و ستارگان را نقاشی می کنند. داخل یک معبد مهری باید تاریک باشد. نماد خورشید و ماو آسمان را در مشرق معبد در طرفین شمایل میترا نقاشی می کنند.

معبد مهری اگر غار طبیعی نباشد معمولاً به شکل مربع مستطیل است. در طول دو دیوار تالار یا دالانی که مذکور افتاد نیمکت هایی از جنس سنگ نصب بوده که مهرپرستان روی آن ها می نشستند. در معابد مهری اغلب دو ردیف هفت تایی ستون دیده می شود. این رقم هفت،

نمادین (سمبولیک) و با سیارات سبعة و مراتب هفت گانه سلوک مهری معناً مربوط می‌شود. دیدیم که خود غار مهری نماد جهان است. بنابراین تعجبی ندارد اگر می‌بینیم ایزدانی غیر از میترا که نمایندگان نیروهای اداره‌کننده افلاک هستند در بعضی غارها ظاهر شوند. در معبد مهری سانتاپریسکا در رم سرهای سیراپیس، ایزد یونانی-مصری را پیدا کرده‌اند که روی آنها سبدهی پر از میوه قرار دارد و این ایزد، همتراز زئوس (زئوس) و ونوس و مارس (مریخ) است. معمولاً در هر جایی که مهر دیده می‌شود دو پیکر مرموز در دو طرف آن قرار گرفته‌اند. هر دو پیکر یا تندیس مشعلی به‌دست دارند، منتهی مشعل یکی از این دو به‌سوی آسمان متوجه است و مشعل دیگری به‌سوی زمین. کشف معنی و رمز این پیکرهای سه‌گانه (یعنی خود میترا به‌اضافه دو مشعلدار) باعث تفسیرهای گوناگون شده است ولی هیچ‌کدام مفید یقین نمی‌تواند باشد. مثلاً گفته‌اند که در این مثلث قدسی ایزد نور یعنی خورشید را می‌بینیم که در بهار رشد می‌کند و بزرگ می‌شود (موقع ورود خورشید به برج ثور) و طبیعت را در گرمای تابستان باردار می‌کند (برج اسد) و سرانجام به‌ضعف می‌گراید و نقصان می‌پذیرد و افول می‌کند و به‌برج عقرب می‌رود که نشانه بازگشت زمستان است. بر حسب یک تفسیر دیگر این دو نفر چراغدار - که به آنها کوتس و کوتوپاتس می‌گویند - در واقع کنایه از سفر روح هستند که از ظلمات عوالم دوزخی و سماوی می‌گذرد و سرانجام به‌نور یا اشراق واصل می‌شود.

در مدخل معبد مهری حوض آبی وجود دارد که مُبتدیان به‌قصد طهارت در آن وضو می‌گیرند. این تکلیف شرعی که خاص مهرپرستان بود در جهان باستان عمومیت پیدا کرد و وارد نظام مسیحی شد و امروزه به‌نام آب مُتبرک در کلیسا معروف است. چون نور خورشید به‌درون معبد نمی‌رسید با مشعل و آتشدان فضا را روشن می‌کردند. در اغلب معابد مهری روی دیوارها را نقاشی می‌کردند و صحنه‌هایی از زندگی مهر را تصویر می‌نمودند. لذا می‌توان حدس زد که نوجه یا مبتدی که اول‌بار وارد عمارت می‌شد و جماعت عبادت‌کننده را در آن فضا با دیوارهای مزین به‌نقش و نگار می‌دید دچار چه حالت روحی می‌شد؟

البته معابد مهری وسعت چندانی ندارند. بزرگترین پرستشگاهی که تاکنون یافته‌اند در محلی به‌نام سارمیزگتوزا در رومانی بوده که ۲۶ متر طول و ۱۲ متر عرض دارد. معابدی که انبوه ایزدان یونانی و رومی در آنها پرستش می‌شدند ابعاد قابل توجهی داشته‌اند اما علت این‌که مهرکده‌ها برخلاف نمازخانه‌های یونانی و رومی کوچک بودند این بود که دین مهری دین خواص است و تعداد خواص همیشه اندک است و صاحبان گوناگون مقامات روحانی هفت گانه، به‌هیئت اجتماع (منتهی جمعی محدود و سر بسته یعنی فارغ از نامحرم) عبادت می‌کردند. به‌محض این‌که شماره مهرپرستان محفل از حد نصاب می‌گذشت، جماعت اضافه بر ظرفیت، محفل دیگری تأسیس می‌کرد و همین‌طور الی آخر. به‌این ترتیب بود که معابد مهری گنجایش پذیرایی بیش از ۵۰ تا ۶۰ نفر مهرپرست را نداشته است.

این که مراسم پذیرفته شدن به محفل مهرپرستان و تشریف به اسرار دین مهر به چه ترتیبی انجام می‌گرفته و ماهیت آن چه بوده، مدرکی به جای نمانده تا جوابگوی این گونه سؤالات باشد فقط از روی نقاشیهای موجود و نوشته‌های مربوط به ادعیه و نذورات باز یافته در گودال مقابر کهنه می‌توان از برخی آداب و تشریفات ورود در حلقه مهرپرستان اطلاع پیدا کرد.

البته این حقیقت محرز است که هیچ کس نمی‌توانسته در مراسم مهری حضور یابد مگر این که قبلاً به عضویت محفل مهرپرستان درآمده بوده باشد. نکته دیگر آن که هیچ کس را به داخل جماعت مهری راه نمی‌دادند مگر آن که افراد محفل به طور دسته جمعی آن کس را برمی‌گزیدند و تازه بعد از انتخاب، تحقیقات جدی در باب سوابق وی می‌کردند. جوان نورسیده قبل از این که به افتخار عضویت در محفل مهریها و وقوف به اسرار نایل آید می‌بایست مدتی به ریاضت و امساک و روزه و مراقبه می‌پرداخت. پس از آن در روز موعود چشمان او را می‌بستند (کنایه از این که چشمانش غوطه‌ور در تاریکی است) و دستهایش را به هم می‌بستند (کنایه از این که روح وی محبوس است و زنجیرهای جهالت مانع از آزادی آن) به این ترتیب شاگرد نورسیده را پیش جماعت مهرپرستان حاضر می‌کردند و در آن جا در مقابل حاضران از او امتحان می‌کردند. اگر جوان تازه‌کار در این آزمایش موفق می‌شد به طرزی نمادین (سمبولیک) پاک و مطهر می‌شد نمونه این جور امتحانات، غسل طهارت و عبور از گودال آب بود و نیز پیشانی و دست طالب را با مهر آهنگین و گداخته میترا داغ و ممهور می‌کردند. بعد از تحمل این مشقات بود که سالک نورسیده در زمره سربازان میترا در می‌آمد.

در جزو این امتحانات آزمایش دیگری هم بود که ثبات و شجاعت نامزد تازه‌وارد را به محک می‌زد. به این معنا که در مقابل سالک نوآموز، به صورت ساختگی قتلی انجام می‌شد، دشنه‌ای آغشته به خون به آن نامزد بیچاره نشان می‌دادند و به او هشدار می‌دادند که جزای مرگ در انتظار کسانی است که سوگند خود را بشکنند و از قول خود برگردند و اسرار دین را فاش کنند. بعد از این قضایا مردی از میان جمع بزمی خاست و چشم‌پند طالب را از چشم او برمی‌گرفت و او را از هر گونه قید و بندی آزاد می‌کرد. مرشد جماعت که در سلسله مراتب روحانی مهری «پیر» یا «پدر» خوانده می‌شود دست راست طالب را می‌فشرد و متن سوگندنامه‌ای را برای وی می‌خواند. طالب سوگند را تکرار می‌کرد. بعد از پایان قرائت سوگند، طالب به طور رسمی و قطعی و آلی‌الابد مهرپرست می‌شد. روایتی از این سوگند در فلورانس محفوظ است که متن آن به قرار ذیل است:

«به نام خدایی که زمین را از آسمان جدا کرد. نور را از تاریکی جدا کرد. روز را از شب، جهان را از بی‌ترتیبی، زندگی را از مرگ و آبستنی را از زایمان تفکیک نمود. من از روی یقین و ایمان و صداقت سوگند می‌خورم که اسراری را که سراپیون، پدر پرهیزکار و کامریون، سرور قدیس و همدینان من و برادران عزیز من به من خواهند سپرد پیش خود نگهدارم. خدا کند که وفاداری به سوگند برای من منشاء خیر باشد و خدا کند که افشای راز برای من نحس و بدینمن باشد»

مراسم مربوط به پذیرش طلبه جدید در حلقه مهرپرستان در یک ضیافت به پایان می‌رسید که جزئیات آن در یک پرده نقاشی بزرگ روی دیوار مهرکده سانتاپریسکای روم نشان داده شده است. این پرده نقاشی در حوالی ۲۲۰ بعد از مسیح ساخته شده است.

قضیه ذبح گاو توسط میترا و نوشیدن خون آن توسط مهرپرستان امری نمادین به نظر می‌رسد (سمبولیک) و اهمیت معنوی بسیار دارد زیرا که یکی از ارکان جهان‌بینی مهری را تشکیل می‌دهد. در دین مهری گاو مظهر نیروی خرد و کلام پروردگار است که از خلال عمل آفرینش و تجدید حیات عالم هستی، هر سال در فصل بهار، جلوه‌های آن دوباره نمودار می‌گردد. با ذبح گاو که خود کلام و خرد متجسم (گوشتمند) است در واقع عالم وجود رهایی می‌یابد و از همین جاست که تشابهات حیرت‌آور میان مهرپرستی و مسیحیت به چشم می‌خورد زیرا که در این دین هم با مصلوب شدن عیسی، بشریت باز خرید می‌شود یعنی راه ارتقاء به عوالم رفیع معنوی برای انسان باز می‌گردد. در انجیل آمده است: «کسی که جسم مرا نخورد و خون مرا ننوشد و به این طریق با من یگانه نشود و من با او یگانه نشوم، هیچ وقت رستگار نخواهد شد». اما چنانکه قبلاً اشاره شد دین مهری مثل نظامات عرفانی مقید به سلسله مراتبی است و سالک سخت کوش ناگزیر از طی طریق و اعتلای روحانی خویش است که به اختصار تشریح می‌شود.

مراقب هفت گانه را ز آموزی یا تشرف به ابرار

مبتدی بعد از توفیق در امتحان ورودی محفل مهرپرستان، اگر استعداد روحی و روحانی لازم را داشت می‌توانست از مرتبه مبتدی به مراتب بالاتر واصل گردد. اسامی این هفت مرحله عبارت است از: کلاغ و همسر و سرباز و شیر و پارس و پیک خورشید و پدر. اطلاعات مذکور را آباء مسیحی صدر مسیحیت خصوصاً ژرژم قدیس نقل کرده‌اند و اکتشافات باستان‌شناسی و کتیبه‌های منقور در ائنه باز یافته این اطلاعات را تأیید کرده است. اکثر این کتیبه‌ها به زبان یونانی است که زبان رسمی مناسک مهری در اروپا بوده است. ضمناً چنانکه خواهیم دید مرتبه پنجم سلوک روحانی مهریها پارس نام دارد که در خصوص منشاء ایرانی دین مهری جای شک و شبهه باقی نمی‌گذارد.

اول مقام کلاغ

مُتَشْرِفان به این مقام نقابی بر چهره خود می‌گذاشتند که تصویر کلاغ و صفات نمادین این پرنده روی آن نقاشی شده بود. هلیوس ایزد خورشید توسط کلاغ برای میترا پیام می‌فرستد که به ذبح گاو مشغول گردد. پس کلاغ پیک و پیام‌رسان ایزدان است. در اساطیر اسکاندیناوی و یونان باستان هم کلاغ همین وظیفه پیام‌رسانی را دارد. در یونان قدیم کلاغ و جغد پرنده آتنا هستند (آتنا الهه اندیشه و هنر و علم و صنعت بوده و نام آتن از آن اخذ شده) و کلاغ مظهر علم الهی است.

در سلسله مراتب روحانی مهرپرستان، همسر، حاکی از «زواج عرفانی» میان سالک و ایزد مهر است و در یک پرده نقاشی مکشوفه در کلیسای سانتاپریسکای رم پیراهن یا روبوش ویژه عروس به وضوح قابل رؤیت است و اسباب تعجب است زیرا که در دین میترا زنان محلی از اعراب نداشته‌اند (هرچند که در امپراطوری رم، ظاهراً از اوایل قرن سوم تا اواسط قرن پنجم مسیحی، گویا محافل زنانه مهرپرست وجود داشته که کاملاً از محافل مردانه مجزا بوده است). به هر حال مرشد محفل، همسری و پیوند مرید را با مراد (یعنی خورشید شکست‌ناپذیر که همان میترا باشد) اعلام می‌کرده و در موقع مقتضی همان مرشد حجاب را از صورت مرید برمی‌گرفته تا حلقهٔ یاران، چهرهٔ عروس معنوی را بازشناسند. مشعل و چراغ علائم ممیز این مقام است.

سوم، مقام سرباز

در جامعهٔ مهری سرباز، مجاهد راه ایزد شکست‌ناپذیر یعنی میترا بود و تحت فرمان او نیروهای بدی را تارومار می‌کرد. سالکی که به این مرتبه از سلسله مراتب می‌رسید می‌بایست سوگند نظامی یاد کند و وارد معرکهٔ جهاد مقدس بشود و غرض از این تعبیر، در عین حال، هم جهاد اکبر (یعنی جنگ با هوای نفس) و هم جنگ با خارجی یعنی جنگ با تبهکاران است.

چهارم، مقام شیر

شیر تجسم عنصر آتش است و به همین جهت است که در نقاشی‌های مهری علائم بیلچه یا خاک‌انداز و نیز آذرخش در کنار یک آلت موسیقی (جنگ) دیده می‌شود. صاحب این مقام ردایی ارغوانی بر تن دارد. شیر واجد نوعی خصلت دوپهلوست یعنی در عین حال، هم نظر به گذشته دارد و هم به اکنون. هم به اندیشه توجه دارد و هم به عمل. فقط صاحبان مقام شیر و بالاتر از آنها می‌توانند در مراسم خوراک مقدس یا عشاء رتانی شرکت بچینند.

پنجم، مقام پارسی

علامت این مقام ماه آسمان است و ستارهٔ هفت پر و داس دروگران. جامعهٔ پارسی خاکستری است. پارسی یا به لاتین پرسیکوس یک دروگر ایزدی است و سلاحی دارد که به دو کار می‌خورد یعنی هم می‌تواند مرگ‌آفرین باشد و هم می‌تواند خرمن فراهم آورد.

ششم، مقام بیک خورشید

علائم رمزی صاحب این مقام، مشعل و هاله پرتوافکن و کرهٔ خاک است. بیک خورشید، سوار بر ارابهٔ خویش هر روز آفق را طغی می‌کند و با تازیانهٔ خود اسبان ارابه را در جهت مطلوب می‌راند. بیک خورشید تن‌پوش قرمز با کمربندی زردفام دارد. کسی که به مقام بیک خورشید

می‌رسند به این معناست که بر تاریکی‌ها پیروز شده و روشنایی ابدی در دلش قرار یافته است.

هفتم. پیر با پدر

رفیع‌ترین منصب در سلسله مراتب دین مهری، مقام پدر است که به مهر تشبه می‌جوید و در واقع پرتو این جهانی اوست و به همین جهت هم عضای سرکج چوپانها را در دست دارد که با آن از گله مراقبت می‌کند. شب کلاهی نوک‌دار بر سر دارد و در انگشت وسط حلقه ای دارد که مظهر حکمت و فرزندی اوست. (در سلسله مراتب روحانی کلیسای مسیحی، بالاترین مقام قبل از پاپ، منصب مطران است که از اُسْتَفْ بالاتر است و عصا و کلاه مخصوص — که به آن در زبانهای فرنگی میتر می‌گویند — و حلقه انگشتری، ضمایم و علائم متمیز مقام شامخ اوست و این همه شباهت میان مرشد مهرپرستان و رهبر نصاری شگفت‌انگیز می‌نماید).

آیین مذهبی مهرپرستان

در هر یک از محافل مهری «خدام» یا «خدمه» ای به تمشیت امور مربوط به آداب و ادعیه می‌پرداختند. این گونه خادمان دین معمولاً از میان مؤمنان رده «پدر» انتخاب می‌شدند که از جمله وظایف مهم آنان نگهداری آتش در معبد و سه بار عبادت به درگاه خورشید (صبح و ظهر و غروب) بود و نمازگزاران به ترتیب به سوی مشرق و جنوب و مغرب عطف توجه می‌کردند. علاوه بر مباشرت این گونه اعمال عبادی، دینمردان مهری خیرات و مَبْرُوت می‌کردند و فدیها می‌دادند اما از نذر و نیازی که مستلزم خون ریختن بود پرهیز می‌کردند. در عبادت‌های گروهی هر وقت که در معبد پرده از روی میتر برمی‌داشتند ناقوسهای کوچک را به صدا درمی‌آوردند. هر روز هفته وقف یکی از ستارگان هفت گانه بود و روز یکشنبه روز مقدس به حساب می‌آمد (در زبان انگلیسی امروز، ساندی به معنی روز خورشید است). بعضی از روزهای سال را جشن می‌گرفتند. از آن جمله بود روز بیست و پنجم ماه دسامبر که روز تولد مهر به شمار می‌رفت. و ماحصل کلام آن که دین مهری سه رکن داشت: یک نظام عقیدتی، یک نظام معرفتی و یک نظام معیشتی.

۱۴۲

بخش اعظم این مقاله تلخیص و اقتباس و نقل به معنی است از مقاله‌ای با مشخصات ذیل:

1) Michel Argebert- Sarctuaires et initiations de Mithra.

در مجله Atlantis شماره ۲۴۸، ژانویه ۱۹۷۶.

اما از مآخذ زیر هم استفاده شده است:

2) Charles Autran-Mithra, Zoroastre et la Prehistoire aryenne du christianisme. Payot, Paris, 1935.

3) Georges Dumézil-Les dieux indo-européens, P.U.F., Paris, 1952.

4) T. Duchesne-Guillemain- La religion de l'Iran ancien. P.U.F., Paris, 1962.

۵) محمد مقدم، جستار درباره مهر و ناهید، دفتر نخست، انتشارات مرکز ایرانی مطالعه فرهنگها، تهران، ۱۳۵۷.

۶) مارتن ورمازون، آیین میترا، نشر چشمه، تهران، ۱۳۷۵، ترجمه نگارنده.